

نامه‌های پاریس

نامه‌های احمد قوام به علی امینی (۱۳۲۶-۱۳۲۸)

واحد‌گزینش اسناد

اسنادی که در پی می‌آید سیزده نامه از مجموعه مکاتبات خصوصی احمد قوام السلطنه با علی امینی است.

هفت نامه اول مربوط به مسافرت قوام به اروپا بعد از برکناری از نخست‌وزیری در سال ۱۳۲۶ است. و شش نامه دیگر مربوط به مسافرت بعدی وی به اروپا بعد از ترور شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ است. نگاهی گذرا به وقایع قبل از نگاشتن این مکاتبات برای آشنایی بیشتر با محتوای آنها ضروری به نظر می‌رسد.

قوام السلطنه که با اکثریتی اندک نسبت به مؤتمن الملک - ۵۳ رأی در برابر ۵۱ رأی - به نخست‌وزیری برگزیده شده بود، همواره به منظور تثبیت موقعیت خود برای سالیان آینده درصدد بود اکثریت نمایندگان دوره بعد مجلس - دوره پانزدهم - را در اختیار داشته باشد. بدین لحاظ و با توجه به رو به پایان بودن دوره چهاردهم مجلس^۱، حزب دموکرات ایران را پایه‌گذاری کرد.

البته قوام علاوه بر اینکه در پی هدف بالا بود هدف دیگری را نیز دنبال می‌کرد که عبارت بود از ضعیف کردن احزاب رقیب و قدرتمندی چون حزب توده و حزب دموکرات آذربایجان.

با تشکیل این حزب که با عضویت گروهی از سیاست‌بازان حرفه‌ای و روزنامه‌نگاران مشهور پایه‌گذاری شده بود^۲ تعداد زیادی از افراد که گاه صدوهشتاد درجه با یکدیگر اختلاف فکری داشتند کنار یکدیگر گرد آمدند که تنها نقطه اشتراکی که برای آنان می‌توان در نظر گرفت کسب قدرت و جلوس بر کرسی نمایندگی مجلس و یا شرکت در

۱. دوره چهاردهم مجلس در ۶ اسفند ۱۳۲۲ افتتاح و ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ خاتمه یافت.

۲. تعدادی از این افراد عبارتند از: سردار فاخر حکمت، مظفر فیروز، ابوالحسن حائری‌زاده، ابوالحسن عمیدی نوری، محمود محمود، حسن آرسنجانی و...

کابینه بود.

با شروع انتخابات دوره پانزدهم و اعمال نفوذ شدید قوام و حزب دموکرات طرفداران و کاندیداهای این حزب اکثریت این مجلس را کسب کردند.^۳ این جمع ناهمگون که به مراد دل خود رسیده بودند پس از مدتی نشانه‌های تفرقه و مخالفت با اهداف قوام را از خود بروز دادند. سردار فاخر حکمت که از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکرات بود و به عنوان رئیس مجلس نیز انتخاب شده بود به جناح اقلیت مخالف که عمدتاً درباری بودند متمایل شد و با این کار تعدادی از افراد فراکسیون دموکرات را نیز با خود به جناح مقابل منتقل کرد. بدین ترتیب فراکسیون قدرتمند دموکرات دچار تفرقه شد و طرفداران قوام در اقلیت قرار گرفتند. این نشانه آن بود که کابینه قوام در خطر سقوط است.

قدرتمند بودن شخصی چون قوام السلطنه برای شاه گران به نظر می‌رسید و از سوی دیگر رفتار سرد قوام نسبت به شاه و اعتقاد او به این مطلب که قدرت شاه باید تقلیل یابد موجب این شده بود که شاه در صدد برکناری قوام برآید. در این ایام مسائلی که موجب تفرقه در میان کمیته مرکزی حزب دموکرات شده بود روز به روز بیشتر می‌شد و شاه با اطمینان از اینکه کابینه قوام اکثریت را در مجلس از دست داده، با وزراء کابینه قوام از طریق عواملش مذاکره کرد و آنان استعفای خود را برای شاه فرستادند. با درخواست قوام برای گرفتن رأی اعتماد از مجلس، کابینه‌اش رأی نیاورد و بدین ترتیب بعد از قریب به دو سال سقوط کرد.

قوام که تحمل ماندن در کشور را نداشت به بهانه معالجه عازم فرانسه شد. مخالفان که هنوز شخصی چون قوام را برای خود خطرناک می‌دیدند در صدد حذف کامل وی از دستگاه سیاستگذاری ایران برآمدند و شروع به پرونده‌سازی بر علیه او کردند. از جمله این پرونده‌ها مکه در صحت مدارک آنها شکی نیست - فروش پروانه‌های قطع درخت و صدور برنج و جو به برخی افراد برای تأمین بودجه حزب دموکرات است. محمد سروری وزیر دادگستری کابینه حکیم‌الملک^۴ مأمور رسیدگی به این پرونده بود. البته احمد قوام نیز بیکار نمی‌نشیند و با مکاتبه با علی امینی نماینده مجلس و از فعالان فراکسیون دموکرات در مجلس دست به ابتکاراتی می‌زند که آثار سوء این پرونده را خنثی کند. قوام در نامه مورخه ۲۹ فروردین ۱۳۲۷ به امینی چنین می‌نویسد:

جناب‌عالی هم مراقب باشید درانتخاب کمیسیون عرایض و دادگستری

۳. دوره پانزدهم مجلس شورای ملی در ۲۵ تیر ۱۳۲۶ افتتاح و در ۶ مرداد ۱۳۲۸ خاتمه یافت.

۴. ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) بعد از قوام‌السلطنه به نخست‌وزیری انتخاب شد (از ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷).



احمد قوام [۱۹۱۵-۱-پ]

غرض ورزی [!] نشود و اشخاص موافق انتخاب شوند و تلگرافاً موافقت خودتان را
به فور به این جانب اطلاع دهید.^۵

با این ابتکار قرار گرفتن تعدادی از نمایندگان موافق قوام در کمیسیون عرایض و

۵. سند شماره ۱۷ از همین مجموعه اسناد.

دادگستری، هنگامی که وزیر دادگستری پرونده را به این کمیسیون مجلس ارجاع می‌دهد، این کمیسیون نیز صحت پرونده را رد می‌کند و به تبع آن مجلس هم گزارش کمیسیون عرایض را تأیید و قوام را تبرئه می‌کند.

نکته جالب دیگری که در این مجموعه به چشم می‌خورد تلاش قوام برای هدایت مسائل سیاسی مملکت در جهت نظرات خودش است و برای این منظور به چیدن مهره‌های موافق خود در دستگاه حاکمه تلاش می‌کند، از جمله اینکه قوام بسیار اصرار داشت مرتضی قلی خان بیات (سهام‌السلطان) به جای حکیم‌الملک که دولتی ضعیف داشت به نخست‌وزیری برسد. وی می‌نویسد:

ایشان [بیات] به هر کس دیگری برای موقع فعلی مناسب‌تر هستند و با خودشان مذاکره کنید و به دوستان توصیه و نصیحت فرمایید با ایشان مساعدت کنند. البته در نتیجه مذاکره با ایشان باید قولهایی هم از ایشان گرفته شود.^۶

البته قوام چندان در این امر به موفقیت نمی‌رسد و این شاید نشانه این بود که دوران وی دیگر سپری شده است. قوام بعد از چند ماه اقامت در فرانسه در اردیبهشت ۱۳۲۷ برای پاسنکووی به مسائل مطرح شده در دادگستری به ایران بازگشت و ایادی وی در تهران استقبال باشکوهی از او به عمل آوردند.

در ۱۵ بهمن همان سال با ترور نافرجام شاه توسط میرفخرایی باز نام قوام بر سر زبانها افتاد و علت آن هم قرار گرفتن نامش در فهرست بازداشتیهای حکومت نظامی بود. هنگامی که نیروهای نظامی به درب منزل قوام برای دستگیری حاضر شدند وی فوراً با دربار تماس تلفنی گرفت و از طرف شاه دستور داده شد که با وی کاری نداشته باشند. پس از این رویداد قوام در ۱۹ بهمن مجدداً به بهانه معالجه عازم فرانسه شد.^۷

بعد از ترور ناموفق شاه روزنامه‌های مخالف قوام، که عمدتاً توسط روزنامه اطلاعات سازماندهی می‌شدند فرصت خوبی برای حمله به وی یافتند. اگر روزنامه اطلاعات در طی دو ماه آخر سال ۱۳۲۷ مورد بررسی قرار گیرد این حملات را به خوبی می‌توان دید. این روزنامه با تحلیل سالهای بعد از جنگ دوم و عمدتاً دوران صدارت قوام چنین القاء می‌کند که اکثر این حاکمان به دنبال قدرت یافتن خود و چپاول این مملکت بودند در اطلاعات ۳۰ بهمن چنین می‌خوانیم:

در سالهای اخیر هم به جز معدودی انگشت‌شمار که متأسفانه گمراه شده و مطامع

۶. سند شماره ۶ از همین مجموعه اسناد.

۷. مشروح جریان دستگیری قوام در روزنامه اطلاعات ۱۹ بهمن ۱۳۲۷ آمده است.



ایرج امینی، بتول وثوق و علی امینی | ۱۴۷۹-۱۴

شخصی چشم آنها را بسته بود هیچکس مخالف حقیقی اصلاحات نبود. این دسته کوچک و انگشت‌شمار که در مقالات سابق آنها را به نام خائنین و دشمنان ایران نامیدیم همان چند نفری هستند که به دروغ سنگ اصلاحات به سینه می‌زدند و تصور می‌کردند در سایه آشفتگی و بی‌نظمی کشور ما به نوایی خواهند رسید و صاحب جاه و جلال و مقام خواهند شد...^۸

و یا با اشاره به ترور شاه توسط عوامل حزب توده غیرمستقیم به کسانی تاختند که موجبات قدرتمند شدن این حزب را در کشور فراهم کرده و آنها را حتی در دولت خود راه داده بودند.

قوام که در خارج از کشور از محتوای این مقالات آگاهی می‌یافت بسیار خشمگین و ناراحت می‌شد و در نامه‌هایی که به علی امینی می‌نوشت حتی از شاه و دربار گله می‌کرد که چرا جواب این اکاذیب را نمی‌دهند.

راجع به خبر روزنامه اطلاعات مقصود این نبود که از طرف خودمان به روزنامه‌های

۸. مردم ایران به هم نزدیک می‌شوند، اطلاعات، ۳۰ بهمن ۱۳۲۷، ص ۸

دیگر گفته شود که تکذیب نمایند، فرض این بود به اعلیحضرت عرض شود که اگر خیر مزبور را که در همه جا منتشر کرده‌اند برای یک نفر خدمتگزار صمیمی که قبل از سلطنت و بعد از سلطنت اعلیحضرت در مملکت مقام و حیثیتی داشته شایسته و روا می‌دانند که در ورق پاره اطلاعات درج شود و با پست هوایی به خارجه ارسال گردد و وزارت خارجه نیز عین آن را به سفارتخانه‌های ایران گزارش دهد عرضی نداریم و الا از مقام رأفت و عنایت اعلیحضرت همه انتظار دارند که چنانچه یکی از خدمتگزاران در ضمن هزاران تقصیر یک خدمت هم کرده باشد به جبران و تلافی آن خدمت در حفظ مقام و حیثیت او بذل توجه فرمایند و بر امیدواری فدائیان خودشان بیفزایند و راضی نشوند بر خدمتگزاران مقام سلطنت توهینی و تحقیری وارد شود، از این نظر بود که به شما نوشتم مراتب را به عرض اعلیحضرت برسانید که امر فرمایند از طرف وزارت دربار تکذیبی در این مورد بشود.^۹

وی در نامه‌های خود بر این نکته نیز تأکید می‌کند که تصمیم دارد از سیاست کناره‌گیری کرده و به املاک خود در لاهیجان رسیدگی کند. این تصمیم برای شخصیتی قدرت‌طلب چون قوام دور از واقعیت به نظر می‌رسد به طوری که وی به رغم کهولت سن مجدداً در سال ۱۳۳۱ به ریاست‌الوزرای منصوب می‌شود و این آخرین حضورش منجر به کشتار فجیع مردم در واقعه ۳۱ تیر ۱۳۳۱ می‌شود و خروج دائمی وی از صحنه سیاسی ایران را به دنبال دارد.

اسناد این مجموعه که در پی می‌آید از مجموعه اسناد علی امینی که در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود انتخاب شده است.

[۱۷]

۲۷ دی ۲۶، ۱۸ ژانویه ۴۸
قربان علی جون عزیزم

ده روز است بعد از امتحانات مختلف به دستور اطباء در منزل خوابیده‌ام. حالم قدری بهتر است ولی رژیم استراحت را می‌گویند باید ادامه داد. می‌خواستیم با بتول^{۱۰} جون به سوئیس برویم، اطباء تا ده روز دیگر اجازه نمی‌دهند. بتول هم باید ایرج^{۱۱} را ببیند؛ ناچار دوروز دیگر تنها خواهد رفت. من فعلاً از دیدن ایرج محروم شده‌ام ولی بعد

۹. سند شماره ۱۱ از مجموعه مکاتبات قوام با امینی.

۱۰. همسر دکتر علی امینی و فرزند وثوق‌الدوله ۱۱. ایرج امینی فرزند علی امینی



احمد قوام، نخست‌وزیر و اعضای سومین کابینه وی در سال ۱۳۲۵: از چپ: ابوالحسن صادقی،
محمودولی میرزا فرمانفرمایان، علی‌اکبر موسوی‌زاده، عزیزالله اعزاز نیک‌پی،
احمد امیراحمدی، احمد قوام، حمید ستیاح، عبدالحسین هزیر، منوچهر اقبال،
شمس‌الدین امیراعلایی و علی شایگان | ۱-۳۳۲۵

از مدت استراحت باز به سوئیس می‌رویم و در خدمت ایرج تقدیم احترامات خواهیم کرد.

از ایران خبری نداریم. جنابعالی و سایر دوستان هم چیزی نمی‌نویسند. امیدواریم اوضاع خوب باشد فقط ضمن تصویر آقای اسدی^{۱۲} از قول ایشان می‌نویسند یک ماه از عمر کابینه^{۱۳} نگذشته و بقدر بیست سال مرا پیر کرده است. سلام مرا به ایشان و سایر دوستان برسانید.

احمد قوام

[در حاشیه:]

آقای فولادوند^{۱۴} را سلام می‌رسانم. ضمن صورت موافق و مخالف معلوم شد

۱۲. سلمان اسدی فرزند محمودولی خان اسدی نماینده دوره پانزدهم مجلس شورای ملی از مشهد

۱۳. کابینه ابراهیم حکیمی

۱۴. غلامرضا فولادوند نماینده دوره پانزدهم مجلس شورای ملی از شاهرود

برخلاف تصمیم فراکسیون اقدام کرده‌اند. قربان ابول^{۱۵} چون عزیزم می‌روم و سلام می‌رسانم.

احمد قوام
[۹-۳۲-۸۴۴۵ الف]

[۲]

۷ مارس، ۱۶ اسفند ۲۶

علی جون عزیزم، قربانت کردم

هفته قبل راجع به هژیر^{۱۶} نوشته بودم اقدام شود، چون حس می‌کنم باز اسباب بهانه شورویها می‌شود و تولید زحمت خواهد کرد، آقای بیات^{۱۷} را مناسب‌تر می‌دانم. خودشان امروز حرکت می‌کنند و شرحی راجع به ایشان نوشته‌ام که یا توسط خودشان یا مستقیم به جناب عالی خواهد رسید. نظر این‌جانب را راجع به اولویت ایشان به آقای شریعت‌زاده^{۱۸} و سایر دوستان محرمانه بگویید. ایشان بیشتر طرف اطمینانند و در کار حزب و دوستان و جلوگیری از تحریکات بهتر می‌توانند اقدام کنند. این مطالب را من اجمالاً به ایشان گفته‌ام؛ خودتان هم باید بیشتر توضیح و تصریح نمایید و زودتر در کار ایشان اقدام کنید که قبل از سال نو این کار انجام شود. از سلامت خودتان و وصول نامه اطلاع دهید.

قربانت احمد قوام

[در حاشیه:] آقای سپهبدی^{۱۹} هم امروز با کشتی حرکت می‌کنند؛ باید مورد توجه دوستان باشند و سعی کنید وزارت خارجه به ایشان واگذار شود. شخصی را که فعلاً در نظر گرفته‌اند از هر جهت مضر است مخصوصاً در کار آقای سپهبدی خودتان و دوستان باید اقدام نمایید و به آقای شریعت‌زاده و سایر رفقا نیز تذکر دهید.

احمد قوام

بجز او هم باید گفته شود که از طرف این‌جانب توصیه اکید شده است.

[۱۰-۳۲-۸۴۴۵ الف]

۱۵. ابوالقاسم امینی برادر کوچکتر علی امینی

۱۶. عبدالحسین هژیر؛ نخست‌وزیر بعد از ابراهیم حکیمی

۱۷. مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان). از رجال قدیمی و سیاسی، با سابقه یک دوره ریاست‌الوزرائی بین سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۳

۱۸. میرزا احمد شریعت‌زاده، نماینده ۵ دوره قانونگذاری از بابل و دو دوره از کمره و خمین و محلات

۱۹. انوشیروان سپهبدی، از افراد مورد اعتماد احمد قوام و وزیر خارجه در کابینه چکیمی و قوام

علی بن عزیمت و آیت گم
 امامت خود هر یک از باب بیانه در شیوه خود
 رعایت خود کرد آری بیاید را شب آری نام خود را در
 حرکت میکند در هر راجع باین نوشته ام که در آن
 با ستم نباید ظاهرید فلذا اینست در راجع خود
 ایشان آیت بر روی داده و سایر دوستان محترم
 باین جهت طرف بیایند و در کار خود رجوع
 در تکلیف بفرمایند امام گم را در این جهت
 باین گم خود را با بر سر تضرع و تسبیح
 و غیره در کار ایشان امام گم که بفرمایند
 اینکارها را که در دست خودی و صبر
 و علم و آیت است

این کتاب در کتابخانه
 جامع علمیه تبریز
 ثبت شده است
 شماره ثبت
 ۱۰۰/۷۵۷
 تاریخ ثبت
 ۱۳۸۵/۰۵/۰۱
 این کتاب در کتابخانه
 جامع علمیه تبریز
 ثبت شده است
 شماره ثبت
 ۱۰۰/۷۵۷
 تاریخ ثبت
 ۱۳۸۵/۰۵/۰۱

شماره ۲

[۳]

۷ مارس، ۱۶ اسفند ۲۶

قربان علی جون عزیزم می‌روم

البته در نظر شریف هست که من قبل از استعفاء و کناره‌جویی از کار به آقایان رفقا گفتم که برای موقع فعلی مملکت جناب آقای بیات بر هر کاندیدای دیگر اولویت دارند. چون خودشان در طهران نبودند نتیجه گرفته نشد. حالا که به سلامتی معاودت می‌نمایند باز عقیده سابق خودم را تکرار می‌کنم و مخصوصاً از جنابعالی انتظار دارم در انجام اینکار بذل جهد نمایند. ایشان از هر کس به رفقای خودمان نزدیکتر و صمیمی‌تر و با من هم در نهایت دوستی و محبت هستند و از جهت سیاست خارجی و داخلی در شایستگی ایشان تردیدی نیست. به آقای ابوالقاسم خان هم توصیه مرا ابلاغ فرمائید و طوری که معلوم نشود از طرف من اشارتی شده است با سایر دستجات مجلس نیز مذاکره نموده بذل همت نمایند که زودتر از پایان سال این مطلب قرین انجام گردد و مرا از جریان مذاکره مستحضر سازید.

احمد قوام

[۱۱-۳۲-۸۴۴۵ الف]

[۴]

۱۹ مارس ۲۸

۲۹ اسفند ۲۶

قربان علی جون عزیزم می‌روم، رقیمه جنابعالی مورخه ۱۳ مارس رسید از مژده سلامت حال شریف کمال مسرت حاصل شد. چون در مطالعه خط جنابعالی خیلی دقت می‌کنم و خواندنش خالی از اشکال نیست کم‌کم خط من هم شبیه خط خودتان شده است و ممکن است تدریجاً بدتر هم بشود. امید دارم عید سعید به جنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار با سلامت و سعادت و شادکامی درک چنین روز را بفرمائید. بتول جون بحمدالله حالش خوب است برای اوایل آوریل ایرج عزیز را هم به پاریس می‌آوریم و چند روزی با هم خواهیم بود. برای اواخر فروردین بطوری که صلاح دیده‌اید انشاءالله روانه طهران می‌شویم. بتول جون به شما نوشته است که بیست راه را برای [ناخوانا] با چهارصد کیلو اضافه بار گرفته ارسال دارید قیمتش هرچه بشود حواله طهران خواهیم داد. وعده داده‌اید در ایام عید نامه مشروح‌تر بنویسید، منتظر وصول آن هستیم. دوستان را نصیحت کنید فریب دسته مخالف را نخورند به عقیده من جدائی بین

دو دسته به همین حال باقی بماند بهتر است بعد از آمدن به طهران حضوراً گفتگو خواهیم کرد و به آنچه صلاح و مقتضی باشد اقدام خواهد شد. از رفقا هر کس نخواهد با شما کار کند و نقشه دیگری دار بگذارید کنار برود و از خودتان دور کنید شخصی را که نوشته‌اید از نظر رابطه بین ایران و شوروی مناسب‌تر از دیگران است به عقیده من اشتباه است.

قربانت

احمد قوام

[۱۲-۳۲-۱۸۴۴۵ الف]

[۵]

۲۷ مارس ۴۸، ۷ فروردین ۲۷

قربان علی جون عزیزم می‌روم

رقیمه عالی مورخه اول فروردین رسید، امیدوارم زیارت حضرت معصومه (ع) در اول نوروز فال سلامت و سعادت باشد و سال نور را با خوشی و شادکامی بگذرانید و سالهای بسیار با مسرت و موفقیت عید نوروز را تجدید نمائید. ما هم اینجا در گوشه هتل هفت سین کوچکی داشتیم و با دعای مقلب القلوب و فال حافظ عید را برگزار کردیم و بنابه گفته حافظ دعای شما برای ما و دعای ما برای شما هر دو مستجاب خواهد شد مشروط به اینکه دوستان و مخصوصاً شخص جنابعالی از جدیت و پایداری در حفظ مقام و حیثیت فراکسیون فروگزار نفرمائید و با اتحاد با دسته سردار فاخر^{۲۰} موافقت نکنید. ائتلاف با فراکسیون جدید التأسیس ملی^{۲۱} که اغلب از دوستان هستند و چند نفرشان هم با من مکاتبه دارند و اظهار وفاداری می‌کنند به عقیده من بسیار خوب است و در آن صورت اختیار و اقتدار مجلس با خودتان خواهد بود. و اما راجع به انتخاب رئیس، اگر ممکن است از فراکسیون یک نفر انتخاب شود، البته بر سایر اقسام مقدم است و الاً اول امیر تیمور^{۲۲} بعد از مذاکره و تحصیل کمال اطمینان چون صمیمی‌تر و جدی‌تر است بر سایرین ترجیح خواهد داشت و اگر او هم نشود ملک مدنی^{۲۳} اما در صورتی که قول و قسم و امضای ورقه و تعهد هم از طرف خودش هم از طرف سپهبد احمدی^{۲۴} طوری

۲۰. سردار فاخر حکمت (رضا حکمت)، نماینده در ده دوره قانونگذاری مجلس، در ابتداء از نزدیکان و سپس از مخالفین احمد قوام گردید.

۲۱. فراکسیونهای مجلس پانزدهم عبارت بودند از: اتحاد ملی، آزادی، ترقی، دموکرات و ملی.

۲۲. ابراهیم کلای، نماینده مجلس در ادوار مختلف

۲۳. هاشم ملک مدنی، نماینده ملایر در مجلس دوره پانزدهم و یازده دوره دیگر

۲۴. سپهبد احمد امیر احمدی

که کاملاً مطمئن شوید و در وفاداری و تقویت از فراکسیون به هیچ وجه نگرانی نداشته و از تقویت او اطمینان کامل حاصل کنید اقدام فرمائید. لازم است موضوع را در فراکسیون یا در مجمع هیئت منتخبی از فراکسیون [ناخوانا] و قبل از روز انتخاب رئیس تصمیم محرمانه اتخاذ کنید طوری باشد که روز رأی بدون تردید و با کمال نظم رأی فراکسیون داده شود و فتح نامه آن به نام فراکسیون دمکرات ایران در مملکت منتشر گردد. خود من که انشاءالله اواخر فروردین مراجعت خواهم کرد و به دیدار عزیز جنابعالی و دوستان نائل و پس از چند روز توقف طهران برای رسیدگی به کارهای شخصی به لاهیجان خواهم رفت. تکلیف دولت را هر چه زودتر معین کنید بهتر است و تأخیر اسباب پشیمانی و نگرانی است.

این کاغذ را به آقای شریعت زاده و سایر دوستان صمیمی محرمانه نشان بدهید و از همین قرار اقدام بشود. بیشتر زحمتی ندارم و قربانت می‌روم
احمد قوام

[در حاشیه:]

جنابعالی و آقای شریعت زاده لازم است کار چهاردهمی^{۲۵} را هر چه زودتر اصلاح فرمائید که آزاد باشد و بتواند با من به لاهیجان بیاید و در این باب انتظار اقدام فوری دارم.

احمد قوام

| ۱۲-۳۲-۱۸۴۴۵ الف |

[۶]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۳ آوریل ۴۸

۱۴ فروردین ۲۷

قربان علی جون عزیزم پروم، مطلب تازه‌ای نیست به شما عرض کنم. منتظرم رقیمه جنابعالی برسد و از اقداماتی که راجع به مجلس و دولت کرده و خواهید کرد مرقوم فرمائید. مختصری به وسیله آقای بیات راجع به خودشان نوشته‌ام البته به جنابعالی می‌رسانند. چنانکه قبلاً هم نوشته‌ام به ملاحظات بسیار که می‌دانم و لازم نیست توضیح بدهم، ایشان بر هر کس دیگر برای موقع فعلی مناسب‌تر هستند با خودشان مذاکره کنید و به دوستان توصیه و نصیحت فرمائید با ایشان مساعدت کنند، البته در نتیجه مذاکره با

۲۵. وی پیشکار قوام السلطنه بود و املاک قوام را در لاهیجان اداره می‌کرد

ایشان باید قولهایی هم از ایشان گرفته شود و یا [ناخوانا] نهایی راجع به امور حزبی و کارهای دیگری که دارید بدهند. به عقیده من دنبال کاندیداهای دیگر رفتن خطاست و بهتر از ایشان کسی را ندارید. خود من هم انشاءالله آخر فروردین مراجعت می‌کنم و بعد از چند روز اقامت خیال دارم برای کارهای شخصی به لاهیجان بروم و به هیچ وجه مایل به توقف طهران نیستم. خرج اینجا فوق‌العاده زیاد است و تنهایی خاصه اینکه بتول چون هم برود بر من سخت خواهد گذشت، این است که ناچار تصمیم بر مراجعت دارم. اگر کاری با من نداشته باشند من هم کار به کسی ندارم و اگر هم بنای مخالفت و دشمنی را بگذارند ناچار تا همه جا خواهم ایستاد، مراتب را عاجلاً محرمانه به دوستان بگوئید تا هفته بعد هم روز حرکت را اطلاع دهم. آقای عزیزم ابوالقاسم خان را سلام می‌رسانم و قربان همه می‌روم.

احمد قوام

[۱۱-۳۲-۸۴۴۵ الف]

[۷]

۲۹ فروردین ۲۷، ۱۸ آوریل ۴۸

قربان علی جون عزیزم بروم

نوشتجات جنابعالی تقریباً مقارن حرکت هواپیما به طهران رسید مجال اینکه به تفصیل زحمت بدهم نیست. از کسالت جنابعالی بی‌اندازه، متأسفم و امیدوارم تا وصول این نامه رفع شده باشد تلگراف جنابعالی راجع به تأخیر حرکت رسید. عقیده خودم این است با اقدامی که دولت کرده است سرعت حرکت مناسب‌تر است که نگویند از جواب گریزان بوده‌ام و به این جهت یکشنبه دوازدهم اردیبهشت تصمیم به مراجعت دارم. جنابعالی مطلب را با دوستان در میان بگذارید و موافقت خودتان را با تلگراف اطلاع دهید تصور می‌کنم بعد از آنکه مخالفین ببینند در حرکت تردید نکرده‌ام و از جواب اظهارات مخالفین استنکاف ندارم و کاری به کار کسی هم نخواهم داشت ساکت شوند و تعقیب نکنند و اگر هم کردند جواب خواهند شنید. جنابعالی هم مراقب باشید در انتخاب کمیسیون عرایض و دادگستری غرض‌ورزی نشود و اشخاص موافق انتخاب شوند و تلگرافاً موافقت خودتان را به فور به اینجانب اطلاع دهید.

شرحی به آقای اسدی نوشتم ملاحظه فرموده به ایشان برسانید و وسایل مراجعت را فراهم فرمایند.

قربانت می‌روم

احمد قوام

[۱۴-۳۲-۸۴۴۵ الف]

[۸]

پاریس، هتل ژرژسنگ ۲۹ بهمن، ۱۸ فوریه ۴۹
 قربان علی جون عزیزم بگرم

رقیمه مورخه ۱۵ فوریه رسید از مژده سلامت مزاج شریف شکر گفتم و دوام و بقای آن را مسئلت نمودم. حال من بحمدالله بد نیست البته در عرض راه به واسطه توقف اجباری در دمشق و برف و کولاک بی سابقه قدری ناراحت بودیم ولی به سلامت وارد پاریس شدیم و در این هتل منزل داریم. پیشنهاد جنابعالی راجع به جنوب فرانسه و استراحت در آنجا با نظری که خودمان داشته‌ایم تطبیق می‌کند و همین قدر که مختصر مقطع‌های پاریس از قبیل اصلاح سطحی دندان و ملزومات ضروری رفع شود عازم جنوب فرانسه خواهیم شد و آدرس منزل را برای جنابعالی خواهیم فرستاد.

راجع به تلگراف اعلیحضرت یک روز بعد از ورود به پاریس عرض فدویت و احوالپرسی شد و جواب اظهار مرحمت و مژده اصلاح جراحت وارده را تلگراف فرمودند و موجب تشکر و رفع نگرانی گردید. استنباط آقای نیک‌پور،^{۲۶} فرمایشات خود اعلیحضرت را در شرفیابی اخیر من کاملاً تأیید می‌کند معهداً شرحی را که در روزنامه اطلاعات نوشته شده و عیناً به من رسیده است با اظهار مرحمت اعلیحضرت و لطف و عنایتی که در شرفیابیهای اخیر من فرمودند حسادت و مخالفت سردهسته مخالفین را کاملاً آشکار می‌کند و چون روزنامه در اینجا به همه کس رسیده است جا داشت تکذیب آن هم از طرف دربار همایونی در روزنامه درج می‌شد و افتخار مراسم اعلیحضرت مشهود و موجب مزید امیدواری می‌گردید.

خوب است مطلب را به آقای نیک‌پور و آقایان رؤسا و اعضای فراکسیون مذاکره نمود. زودتر وسیله جبران آن را فراهم نمائید و نتیجه را به اطلاع اینجانب برسانید. شرفیابی آقایان فراکسین^{۲۷} و پیروی از منویات اعلیحضرت به طوری که نوشته‌اید بسیار لازم است و البته در تسریع آن و جلب رضایت خاطر ملوکانه تردید و تأخیر نخواهد نمود.

خواهشمندم سلام مرا به همه آقایان دوستان ابلاغ فرمائید و هر پست از مژده سلامت خودتان و دوستان اطلاع دهید. بتول جون به حمدالله حالش خوب است و هر دو غیر از کمی پول و گرانی فوق‌العاده ناراحتی دیگری نداریم، از دور روی شما را می‌بوسم و زحمت دیگری ندارم و منتظر جواب هستم. قربان شما احمد قوام

[۱۶-۳۲-۱۸۴۴۵الف]

۲۶. عبدالحسین نیک‌پور، نماینده دوره پانزدهم و پنجم دوره دیگر مجلس شورای ملی
 ۲۷. فراکسیون

[۹]

۸ اسفند ۲۷، ۲۷ فوریه ۴۹

علی جون عزیزم قربانت شوم، نامه دوم جنابعالی رسید از اینکه نمایندگان فراکسیون حضور اعلیحضرت شرفیاب شده از سلامت وجود شاهانه تقدیم دعا و تبریک نموده‌اند مطلع شدم، شرفیابی آقایان بسیار لازم بوده و هر قدر سعی در نزدیکی خودشان و پیروی از نیات ملوکانه نمایند موجب مزید مسرت است و البته این رویه را ادامه خواهید داد که برای معاندین مجال و فرصتی برای تضریب و سعایت باقی نماند.

من سعی داشتم زودتر پاریس را ترک کرده به جنوب فرانسه بروم ولی اطباء لازم دانستند تجزیه خون و تجزیه دیگر بشود و دستوری برای رژیم گرفته شود. در نتیجه معلوم شد اوره خون و قند از حد طبیعی گذشته، موضوع پروستات هم دو روز دیگر معاینه می‌شود. ضمناً سه روز است به زکام و گریپ مبتلا شده و از اطاق خواب بیرون نمی‌روم. امیدوارم تمام این موانع تا یک هفته دیگر رفع شده و پاریس را ترک کنم و البته هر جا باشم جنابعالی را از حال خود بی‌اطلاع نخواهم گذاشت. خواهشمندم سلام مرا به تمام آقایان دوستان ابلاغ کنید و مطلبی را که هفته قبل راجع به مندرجات اطلاعات نوشته بودم بلا تعقیب نگذارید و از سلامت خودتان هر هفته مطلعم فرمایید چون حال زکام مجال بیشتر از این مزاحمت را نمی‌دهد به همین مختصر قناعت شد.

قربانت احمد قوام

[۱۸-۳۲-۸۴۴۵ الف]

[۱۰]

۱۵ اسفند ۲۷، ۶ مارس ۴۹

قربان علی جون عزیزم بگرددم
این دو هفته نامه‌ای از جنابعالی نرسید. مژده سلامتی را از بتول جون می‌گیرم و متشکرم. به واسطه ورم پرستات و ناراحتی زیاد هنوز نتوانستم به جنوب فرانسه بروم و از اقامت پاریس فوق‌العاده ناراحتی و متفرم. اگر اقدام کنید که جلب توجه اعلیحضرت همایونی بشود و کار کمیسیون دادگستری را امر به اتمام بفرمایند و زودتر برگردم و از طهران دور باشم و با اجازه اعلیحضرت به لاهیجان بروم از هر جهت بهتر است، خاصه اینکه بتول جون هم دلش برای شما تنگ شده و اگر واقعاً بی‌مهری را به این درجه برساند و دائم فکر طهران را بکند جدائی از او برای من غیر قابل تحمل است و هر جا او باشد من هم با او خواهم بود و نمی‌توانم یک دقیقه او را ناراحت ببینم.



احمد قوام و اعضای پنجمین کابینه وی ۱۳۲۶: از چپ: علی اکبر موسوی زاده، ابوالحسن صادقی، فرج الله آقاولی، منوچهر اقبال، احمد امیر احمدی، محمد علی همايون جاه، احمد قوام، عبدالحسین هزیر، مصطفی عدل، غلامحسین فروهر، علی اصغر حکمت، امیر حسین عدل، علی نصر، سلمان اسدی [۱۱-۳۳۲۶]

راجع به کارهای مجلس سعی کنید از پیروی از منویات اعلیحضرت دور نمایند و از حالات خودتان مرا بی اطلاع نگذارید. حال مزاجی من از جهت پرستات و جهات دیگر زیاد خوب نیست و باز در مملکت خودمان یک گوشه‌ای بمانیم و چند روزی که از عمر باقی مانده است در وطن خودمان بگذرانیم، از هر جهت بهتر است. بیشتر از این زحمتی ندارم و قربان شما می‌روم.

احمد قوام

[۱۹-۳۲-۸۴۴۵ الف]

[۱۱]

۲۱۲ اسفند ۲۷، ۱۲ مارس ۴۹

از پاریس

علی جان عزیزم قربانت گردم، رقیمه مورخه ۷ مارس رسید از زیارت خط قشنگ و وصول مژده سلامتی جنابعالی بی اندازه خوشوقت شدم. بتول جون از مفارقت جنابعالی

خیلی متأثر است و هر پست انتظار مرقومات عالی را دارد و هر وقت دیر برسد از اوقات تلخی و دلنگی و قروند به من فروگذار نمی‌کند. اگر قدری بیشتر به خودمان زحمت می‌دادید و هر هفته معجز می‌کردید که قبل از ورود هواپیما کاغذ جنابعالی می‌رسید البته راحت و متشکر می‌شدیم.

راجع به خبر روزنامه اطلاعات مقصود این نبود که از طرف خودمان به روزنامه‌های دیگر گفته شود که تکذیب نمایند، فرض این بود به اعلیحضرت عرض شود که اگر خبر مزبور را که در همه جا منتشر کرده‌اند برای یک نفر خدمتگذار صمیمی که قبل از سلطنت و بعد از سلطنت اعلیحضرت در مملکت مقام و حیثیتی داشته شایسته و روا می‌دانند که در ورق پاره اطلاعات درج شود و با پست هوایی به خارجه ارسال گردد و وزارت خارجه نیز عین آن را به سفارتخانه‌های ایران گزارش دهد عرضی نداریم والا از مقام رأفت و عنایت اعلیحضرت همه انتظار دارند که چنانچه یکی از خدمتگزاران در ضمن هزاران تقصیر یک خدمت هم کرده باشد به جبران و تلافی آن خدمت در حفظ مقام و حیثیت او بذل توجه فرمایند و بر امیدواری فدائیان خودشان بیفزایند و راضی نشوند بر خدمتگزاران مقام سلطنت توهین و تحقیری وارد شود، از این نظر بود که به شما نوشتم مراتب را به عرض اعلیحضرت برسانید که امر فرمایند از طرف وزارت دربار تکذیبی در این مورد بشود و نه فقط این تکذیب برای مقام شامخ سلطنت بی‌ضرر است بلکه موجب مزید امیدواری بندگان آستان همایونی خواهد بود، این بود نظر من که به جنابعالی نوشتم اقدام نمایند و شما متأسفانه در هر مورد محافظه‌کاری و بی‌قیدی را ترجیح می‌دهید مثل اینکه با اظهار مراحمی که اعلیحضرت روز مرخصی من فرمودند با اینکه قریب چهل روز است از طهران خارج شده‌ام و با وعده‌های صریح اعلیحضرت هنوز امر و اقدامی راجع به گزارش کمیسیون دادگستری نشده یقین است بندگان اعلیحضرت به واسطه اشتغال به مهم امور بعضی امور جزئی را فراموش می‌فرمایند، لکن با تذکر و یادآوری البته به وعده‌ای که فرموده‌اند وفا می‌فرمایند و اگر هنوز نشده است علتی جز غفلت جنابعالی و سایر دوستان نبوده است.

اینکه مکرر نوشته‌اید در پاریس نمانم و به جنوب فرانسه بروم تصمیم خود من غیر از این نبود ولی به علت ورم پرستات و احتیاج به معاینه و معالجه اطباء هنوز نتوانسته‌ام حرکت کنم و فوق‌العاده ناراحت و در زحمت هستم و اطباء هر دو روز یک بار مشغول ماساژ و معالجه هستند و هنوز عمل را لازم نمی‌دانند. یکی از جراحها توصیه می‌کرد میلین جراح معروف انگلیسی را ببینم، اما چون نمی‌خواهم از فرانسه به جای دیگر بروم این توصیه را نپذیرفته‌ام خاصه اینکه یک جراح فرانسوی هست که عمل میلین را پیروی می‌کند و چندین عمل کرده و نتیجه خوبی گرفته است به این جهت خودم را به اختیار

جراحیهای فرانسه گذاشته و معالجات آنها را تعقیب می‌کنم و اگر اجازه دادند چند روزی هم به جنوب فرانسه می‌روم.

در اینجا با هیچ ایرانی مراوده ندارم و هیچکس را نمی‌پذیرم و از روزنامه‌نویسها هم هرچه اصرار کرده‌اند احتدی را نپذیرفته‌ام.

نوشته بودید ایرج اسکندری^{۲۸} مصاحبه‌ای در یکی از روزنامه‌ها کرده و خوب است من در تکذیب آن مصاحبه‌ای بدهم. اولاً من نه ایرج اسکندری و نه مصاحبه او را دیده‌ام و نه وقت خودم را مصروف اینکارها می‌کنم، ثانیاً در صورتی که روزنامه‌های فرانسه و غیرفرانسوی مصاحبه خواسته و من نپذیرفته باشم چه لزومی دارد چیزی بنویسم یا مصاحبه‌ای بدهم. سیاست من سیاست شخص اعلیحضرت است و از خداوند امید موفقیت آن را دارم و به همین نظر است که به شما و دوستان از وقتی که از طهران خارج شده‌ام توصیه و تأکید کرده‌ام که خودتان را به مقام اعلیحضرت نزدیک کنید و در اجرای منویات ملوکانه ساعی باشید، نوعی شود که انشاءالله کارها سرو صورتی پیدا کند و مملکت به خوشبختی و سعادت نایل شود باز هم غیر از این توصیه‌ای به جنابعالی و سایر دوستان ندارم و همه را به خداوند می‌سپارم.

قربان شما

احمد قوام

[۲۰-۳۲-۳۴۵ الف]

[۱۲]

پاریس ۲۶ اسفند ۲۷، ۱۷ مارس ۴۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قربانت گردم، رقیمه مورخه ۱۴ مارس رسید چون فردا صبح ساعت هشت عازم مونت‌کارلو و جنوب فرانسه هستم و شاید تا روز شنبه و یکشنبه نتوانم جواب عرض کنم قبل از رفتن از وصول مرقومه و اطلاع به سلامت حال شریف تقدیم تشکر می‌کنم و سال نو و عید سعید راتبریک می‌گویم. امید دارم سالهای بسیار با خوشی و شادمانی و سعادت و تندرستی نمایش بهار و خرمی عیون و انهار و طراوت بوستان و سرسبزی دوستان را درک فرمائید و روزگار جوانی را با عشرت و کامرانی به عمر طبیعی و ایام پیری برسانید.

حال من همان است که قبلاً نوشته‌ام و با تجویز و دستور اطباء چند روزی به مونت‌کارلو

۲۸. ایرج اسکندری، دبیر اول حزب توده و یکی از وزرای توده‌ای - وزارت پیشه و هنر - در کابینه قوام.



احمد قوام در سالهای پایانی عمر [۱۱-۵۹۱۲]

و نیس می‌روم و انشاءالله از آنجا مزاحم جنابعالی خواهم شد. خواهشمندم خدمت حضرت علیه و حضرت آقای حاجی امین‌الدوله تبریک عید سعید و دعای سلامت و سعادت وجود مبارکشان را از طرف من تقدیم فرمائید و اگر حضرت علیه قصد مسافرت به این طرفها را داشته باشند بی‌اطلاعمان نگذارید.

اشارتی که ضمن رقیمه راجع به نپذیرفتن اشخاص فرموده‌اید با رویه خود من کاملاً موافق است و علاوه بر اینکه از ایرانیها کسی را نپذیرفتم از مخیرین جراید مختلف هم که برای مصاحبه اصرار داشته‌اند هیچکس را به خود راه نداده‌ام و تاخیر حرکت به جنوب فرانسه هم به واسطه احتیاج میرم به مراجعه اطباء و دستور علاج و مداوا بوده و هست که ناچار در نیس و مونت‌کارل [کارلو] هم این عمل را ادامه خواهم داد. چند روز قبل راجع به گزارش کمیسیون دادگستری شرحی به جنابعالی نوشته‌ام و انتظار از جناب آقای نیکپور و خودتان دارم که با جدیت دوستان زودتر جلب توجه بندگان اعلیحضرت همایونی بشود و چنانچه حضرت آیت‌الله آقای بهبهانی هم اقدام سریعی بفرمایند خیلی مؤثر است. یقین است عرض ارادت و تبریک عید و تهنیت [ناخوانا] محترمشان را از طرف من ابلاغ و جلب مساعدت ایشان را خواهید فرمود. خدمت حضرت اشرف آقای وثوق‌الدوله عرض ارادت و بندگی را برسانید، امیدوارم حال مبارکشان از هر جهت

خوب و قرین کمال صحت و سلامت باشد مزده سلامت جنابعالی را هر هفته منتظرم و قربانت می‌روم.

احمد قوام

[۲۱-۳۲-۸۴۴۵ الف]

[۱۳]

۷ آوریل ۴۹

آقای دکتر امینی جانم قربانت گردم، رقیمه جنابعالی رسیده راجع به گزارش کمیسیون [ناخوانا] حزب از شرح مرقومه مطلع شدم، شرحی به آقای شریعت‌زاده نوشته‌ام با ایشان مذاکره نمائید و زودتر درخصوص اعلیحضرت تکلیف را معلوم کنید. من میل ندارم بر خلاف میل اعلیحضرت مقاومتی شود، مقتضی است نامه من به عنوان آقای شریعت‌زاده به عرض اعلیحضرت برسد و آقای شریعت‌زاده با حسن بیان و استدلال صحیح و متین، نظریات مرا در حضور ملوکانه تأیید کنند و زودتر نتیجه گرفته به اطلاع اینجانب برساند.

راجع به گزارش کمیسیون بیشتر از دوماه ونیم است که فراموش شده یقین دارم اگر حضور مبارک یادآوری شود بی‌نتیجه نخواهد بود با آقای نیک‌پور و آقای بهبهانی مذاکره کنید و هر تضمینی لازم است بدهید و نتیجه را معلوم دارید. چون چشمم خسته است نمی‌توانم بیش از این زحمت بدهم دست خدا همراه شما.

و قربان شما

احمد قوام

[۲۱-۳۲-۸۴۴۵ الف]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی